

گونه‌شناسی ازدواج‌های امامان شیعه با تکیه بر ازدواج‌های قبیله‌ای و سیاسی*

مهین امیر شاه کرمی^۱

محمد علی چلونگر^۲

۸۵

چکیده

سبک زندگی و سیره ائمه علیهم‌السلام همواره مورد توجه، تحقیق و تحلیل محققین مسلمان و غیر مسلمان در سطح جهان بوده و هست. در این میان یکی از موضوعات مطرح در زندگی ائمه علیهم‌السلام مبحث ازدواج‌های آنان می‌باشد. از این رو بررسی و شناخت انواع ازدواج‌ها برای فهم دلایل آن، هدف اصلی این مقاله است. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در صدد پاسخ دادن به این سؤال است که حکمت ازدواج‌های متعدد ائمه علیهم‌السلام چه بوده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد ازدواج‌های ائمه را می‌توان در سه دسته قرار داد که هر کدام از آن‌ها بسته به شرایط خاص زمانی، مناسبات اجتماعی و مصلحت‌های سیاسی شکل گرفتند. در مجموع این ازدواج‌ها را می‌توان تحت سه عنوان ازدواج‌های فامیلی، سیاسی- قبیله‌ای و ازدواج با کنیزان قرار داد.

کلید واژگان: ائمه، ازدواج‌های ائمه، ازدواج‌های سیاسی و قبیله‌ای، ازدواج‌های فامیلی، ازدواج با کنیزان.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۲۵- تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۶ / مقاله پژوهشی

۱. دانش‌آموخته رشته تاریخ دانشگاه اصفهان، هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور اصفهان،

اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) / mahin77@pnu.ac.ir

۲. استاد گروه تاریخ و ایران‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران / m.chelongar@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

زندگی ائمه شیعه علیهم السلام به عنوان رهبران دینی گروهی از انسان‌ها که همواره در طول تاریخ در ابعاد مختلف، نقش‌های متفاوت و البته مهمی ایفا کرده‌اند همیشه مورد توجه محققین بوده است. آنان پیوسته از نظرگاه‌های خاص و با اهداف متناسب با باورهای خود به تحقیق در زندگانی ائمه علیهم السلام پرداخته‌اند.

در میان موضوعات مختلف مربوط به سیره ائمه علیهم السلام، ازدواج ایشان از مهم‌ترین مباحثی است که اذهان بسیاری را به خود مشغول کرده است؛ سؤالاتی که علت کثرت یا نحوه شکل‌گیری و یا صحت و سقم اصل گزارش‌ها را مطرح کرده و آن‌ها را به چالش می‌کشاند.

به هر روی می‌توان سه فرضیه را در این خصوص در نظر گرفت: اول؛ رسوم اجتماعی زمانه چنان اقتضا می‌کرده که ائمه علیهم السلام نیز مانند سایر افراد جامعه زندگی کنند. در آن زمان نه تنها تعدد وصلت‌ها غیر معمول نبود بلکه خیلی عادی تلقی می‌شد.

دوم؛ وابستگی‌های خانوادگی باعث انجام تعدادی از وصلت‌ها می‌شد. سوم؛ مصالح سیاسی چنان اقتضا می‌کرد که برخی ازدواج‌ها صورت گیرد.

پیشینه تحقیق

از جمله تحقیقات انجام شده در این رابطه کتاب «تعامل شیعیان امامیه با دیگر مسلمانان»، نوشته حسین حسینی (۱۳۹۵) است؛ نویسنده در این کتاب طی چهار فصل به بررسی تعاملات و همکاری‌های شیعیان با سایر مسلمین تحت عناوین تعاملات سیاسی اجتماعی، فرهنگی و علمی پرداخته است که از آن در فصل دوم مقاله حاضر ذیل عنوان

تعاملات اجتماعی و گزارش آن درباره پیوندها و ازدواج‌های شیعیان با غیرشیعه استفاده شده است.

مورد دیگر کتاب «زنان ائمه و زنان با ائمه»، نوشته **محمدزاده** (۱۳۹۶) است که نگارنده در آن، طی فهرست بلندی، از زنانی که در کسوت همسر یا منسوبین به ائمه علیهم‌السلام بودند، نام برده و در این مقاله تنها از مطالب فصل اول آن تحت عنوان زنان ائمه استفاده شده است، البته در خصوص وصلت‌ها هیچ دسته‌بندی از نظر خاستگاه طبقاتی و اجتماعی همسران در این کتاب ارائه نشده است.

پژوهش دیگر مقاله‌ای است به نام «مادران امامان شیعه و نقش‌های سیاسی - اجتماعی آنان»، نوشته **طیبی** (۱۳۸۵) که در آن چند تن از مادران ائمه علیهم‌السلام به اختصار معرفی شده‌اند و در پایان چنان نتیجه‌گیری شده که فقط فاطمه بنت اسد مادر امام علی علیه‌السلام و بانو حدیث مادر امام حسن عسکری علیه‌السلام پس از رحلت همسرانشان نوعی نقش سیاسی بر عهده گرفتند. ناگفته نماند که نوشتار حاضر از این مقاله بهره برده است.

«واکاوی دلایل انتخاب امام رضا علیه‌السلام به ولایتعهدی و اهداف مأمون از این عمل» نوشته **فقیه انصاری و صنعتگران** (۱۳۹۸) مقاله دیگری است که هرچند مشخصاً به ازدواج امام رضا علیه‌السلام در آن پرداخته نشده اما از آنجا که آن وصلت، اهداف سیاسی داشت، جهت تحلیل علت ازدواج به آن مراجعه شد.

مقاله «شاهدخت والا تبار شهربانو» نوشته **مهدوی دامغانی** (۱۳۸۸) نیز از پژوهش‌هایی است که درباره همسر امام حسین علیه‌السلام و مادر امام سجاد علیه‌السلام انجام شده است؛ در این نوشتار نگارنده در مسیر بررسی موضوع به معرفی تقریباً مفصل منابع مختلف شامل کتب انسب، آثار محدثان، منابع تاریخی، کتب ادبی و سیره‌ای پرداخته که در خصوص ازدواج شهربانو با امام حسین علیه‌السلام و صحت آن، گزارش‌های متعددی دارند.

به این نحو که تعداد ۴۷ کتاب از منابع انسابی و ۱۵ مأخذ تاریخی را مورد استناد قرار داده که در مقاله حاضر از آن استفاده شده است. ضمناً در این مقاله، مطالبی از منظومه‌ای به نام «علی‌نامه» آمده که مؤید موثق بودن اخبار مربوط به وجود شاهدخت شهربانو است.

بررسی ازدواج‌های ائمه علیهم‌السلام

در مسیر شناخت فرایند شکل‌گیری جامعه شیعه که به‌طور قطع سهم عمده‌ای از آن متعلق به ائمه معصومین علیهم‌السلام در نقش رهبران شیعه می‌باشد، یکی از موضوعات مبنایی و اصلی، تعامل اجتماعی آن‌ها با دیگر گروه‌های اجتماعی است که مانند همه موضوعات اجتماعی بر اساس عوامل داخلی و خارجی در قالب انواع پیوندها پدید آمده و به نحوی موجب انتقال موضوعات مطرح شده در دو دسته عوامل گشته است.

ازدواج ائمه معصومین علیهم‌السلام یکی از مهم‌ترین قالب‌ها و فرصت‌هایی است که می‌تواند برای درک بهتر چگونگی تأثیرگذاری و انتشار تفکر شیعه در سطح جامعه و تعامل آنان با سایر گروه‌های مسلمانان مورد بررسی قرار گیرد.

در این خصوص تحلیل‌گران اخبار تاریخی و مذهبی علی‌الخصوص اهل تسنن، با استناد به این وصلت‌ها سعی در موجه نشان دادن چهره خلفای راشدین و نیز بنی‌امیه داشته‌اند. چرا که انجام این وصلت‌ها را دال بر تأیید خاندان پیامبر از سوی تیره‌ها و قبایل قریش و غیر بنی‌هاشم تلقی نموده و از این طریق سعی در مشروعیت‌بخشی به خلافت‌های غیر معصوم دارند که این اهتمام، با توجه به کثرت وصلت بین بنی‌هاشم با تیره‌های دیگر قریش نسبت به ازدواج ائمه علیهم‌السلام با غیرقریش، قوت می‌گیرد؛ هرچند مدارک متقن تاریخی که خبر از عداوت‌های شدید و آشکار بنی‌هاشم و بنی‌امیه، ال‌زبیر و طلحه می‌دهد، به سهولت تحلیل‌های این چنینی را مردود می‌سازد و نیت اصلی



وصلت‌های مزبور را نشان می‌دهد اما همچنان این سؤال باقی می‌ماند که علت تن دادن به این دست وصلت‌ها توسط ائمه و بنی‌هاشم چه بوده است؟

به نظر می‌رسد از آنجاکه در دوران قدیم حتی قبل از اسلام، ازدواج‌های سیاسی بین حکومت‌های مختلف مرسوم بود، این رسم در دوره اسلامی هم ادامه یافت. در واقع ازدواج از جمله راهکارهای دستیابی به مقاصد سیاسی بود؛ اهدافی مانند کنترل بر رقبا یا تأمین و حفظ امنیت یا بازدارندگی طرف مقابل طوری که گویا به طرزی محترمانه در پوشش ازدواج، گروگانی از طرف مقابل در دربار نگهداری می‌شد.

البته باید در نظر داشت که با توجه به گزارش‌های موثق تاریخی و رجالی، موضوع ازدواج‌های ائمه در طول قرون متعدد اسلامی از الگوی یکسانی برخوردار نبوده، بلکه متأثر از تغییرات اجتماعی و تحولات سیاسی - اعتقادی، با نوساناتی همراه می‌شده؛ طوری که در مجموع سه سبک ازدواج را می‌توان برای ائمه متصور بود:

الف. ازدواج‌های فامیلی

ب. ازدواج با کنیزان

ج. ازدواج‌های قبیله‌ای و سیاسی.

ازدواج‌های فامیلی

در علت انجام وصلت با فامیل، می‌توان نخست رسم جامعه آن‌روز عرب را بیان کرد تا جایی که می‌بینیم در بین انواع ازدواج‌های ائمه، ازدواج با بستگان فامیلی اولویت داشت. چرا که در صدر اسلام رسم عرب بر ترجیح وصلت‌های فامیلی بود.

کثرت گزارش‌های تاریخی درباره وصلت‌های اولاد امام علی علیه السلام یعنی امام حسن و امام حسین علیه السلام این موضوع را روشن می‌کند. برای نمونه می‌توان مواردی چون ازدواج زینب، فاطمه، رقیه، زینب صغری فرزندان امام علی علیه السلام را بیان کرد که به ترتیب با



عبدالله بن جعفر، سعید بن اسود بن عقیل، مسلم بن عقیل و محمد بن عقیل ازدواج کردند (بغدادی، ۱۴۰۶ق، ۶۴؛ طبرسی، بی تا، ۳۹۷/۱).

از فرزندان دختر امام حسن (علیه السلام) هم ام حسن با عبدالله بن زبیر؛ ام سلمه با عمرو بن المنذر بن زبیر؛ و ام عبدالله با امام سجاد (علیه السلام) ازدواج نمودند. از دختران امام حسین (علیه السلام) نیز سکینه با عبدالله بن حسن و فاطمه با حسن بن حسن (علیه السلام) ازدواج کردند (بغدادی، ۱۴۰۶ق، ۶۴؛ اصفهانی، ۱۴۰۷ق، ۱۶؛ ابن حزم، ۱۴۰۳ق، ۴۲).

از این نوع باز می توان به ازدواج ام کلثوم، دختر عبدالله بن جعفر (علیه السلام) با قاسم بن محمد بن جعفر و لبابه، فرزند عبدالله بن عباس با علی بن عبدالله بن جعفر بن ابیطالب اشاره کرد (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ۴۶۱/۱؛ بغدادی، ۱۴۰۶ق، ۴۴).

همچنین دو مورد از ازدواج های امام علی (علیه السلام) را می توان در این دسته مطرح کرد: اولین همسر امام، حضرت فاطمه (علیه السلام) دختر پیامبر اکرم که دختر عموی ایشان بودند و دیگری امامه بنت ابوالعاص بن ربیع بن عبدالعزی (طبرسی، بی تا، ۳۹۶؛ ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ۳۲/۸).

در بین زنان امام حسن (علیه السلام)، ام کلثوم دختر فضل بن عباس بن عبدالمطلب از بستگان ایشان بودند، که حاصل این وصلت چهار فرزند شد. بانو ام کلثوم را می توان دختر عموی امام دانست (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ۵).

اما در زندگی امام حسین (علیه السلام) گزارشی از ازدواج فامیلی ثبت نشده است.

درباره همسران و زنان امام سجاد (علیه السلام) نیز منابع از فاطمه دختر امام حسن که دختر عموی ایشان بودند نام برده اند (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ۲۳۵/۵؛ یعقوبی، ۱۳۷۹، ۳۰۵/۲؛ امین، ۱۳۰۴، ۶۵۰/۶). طبق بعضی اقوال، امام همسر دیگری برنگزید و بقیه فرزندانش از کنیزان ایشان زاده شده اند.

برای امام محمد باقر علیه السلام هم وصلت با ام کلثوم دختر حسن مثنی که دختر عموی امام بوده، ثبت شده است (محمدزاده، ۱۳۹۶، ۶۹).

آخرین ازدواج فامیلی ائمه، گزارش‌هایی است که درباره امام صادق علیه السلام ثبت شده و خبر از وصلت ایشان با فاطمه بنت حسین بن علی بن حسین، دختر عمویشان می‌دهد که اولین همسر امام بودند (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۱۸۵/۲؛ یعقوبی، ۱۳۷۹، ۳۸۳/۲؛ خصیبی، ۱۴۰۶ق، ۲۴۷). در این باره گفته شده که امام جعفر صادق علیه السلام در زمان حیات فاطمه همسر دیگری انتخاب نکردند و به همین سبب حدود ۲۵ سال پیش از ولادت امام موسی بن جعفر علیه السلام آن حضرت به جز اسماعیل و برادرش عبدالله و خواهرش ام فروه، فرزند دیگری نداشتند (محمدزاده، ۱۳۹۶، ۷۱).

در شرح زندگی ائمه علیهم السلام بعد از امام صادق علیه السلام گزارشی از ازدواج‌های فامیلی به دست نیامده که علت آن هم شاید مربوط به شرایط، مقتضیات و موقعیت‌های سیاسی اجتماعی آن زمان باشد به نحوی که دیگر توسط ائمه علیهم السلام که در این زمان زندگی می‌کردند مصلحت و لزومی برای انجام این امر دیده نمی‌شد.

گونه‌شناسی ازدواج‌های سیاسی

از مهم‌ترین دلایل و کارکردهای این سبک وصلت‌ها از سوی ائمه علیهم السلام از بین بردن تنش‌ها و رقابت‌هایی بود که به طرز چشمگیر و با قدرت، جامعه مسلمانان را تضعیف می‌کرد. در چنین شرایطی مصلحت ایجاد می‌کرد که با توجه به نقش اثرگذار ازدواج در ایجاد صلح و دوستی و مودت، از آن به عنوان ابزاری جهت کاهش رقابت‌ها و عداوت‌ها استفاده شود. البته در همین دسته هم باز چند گونه مشاهده می‌شود:

الف. ازدواج‌های اجباری: از این دست می‌توان به اصرار مأمون برای ازدواج دختران خود با امام رضا و امام جواد علیهم السلام اشاره کرد؛ به نظر می‌رسد خلیفه در نظر داشت محصل

وصلت با این دو امام، تولد فرزندانی باشد که احتمالاً بتواند خلافت بعد از خود را به آنها بسپارد و از آن طریق حاکمیت را در خاندان خود تثبیت کند و در ضمن از انتقادات و بلوآهایی که علویان و شیعیان نسبت به خلافت غیر معصوم همواره داشتند هم به شکلی رهایی یابد یا آن را تعدیل بخشد.

قیام‌های متعدد همچون قیام عاشورا، واقعه حره، قیام توابین، قیام مختار و علی‌الخصوص در خراسان قیام زیدبن‌علی، قیام یحیی‌بن‌زید و... (فقیه انصاری و صنعتگران، ۱۳۹۸، ۳۷)

در واقع یکی از راهکارهای سیاسی و مهم مأمون برای این که بتواند امام رضا(ع) را به ولیعهدی خود تعیین کند، ازدواج دخترانش با ایشان بود؛ چرا که به این ترتیب هم بر منتقدینش کنترل می‌یافت و هم بر شخص امام و هم در کسب مشروعیت برای خلافت خود موفق می‌شد.

به بیان بهتر موقعیت اقتصادی خراسان در کنار اهمیت اجتماعی آن به جهت حضور پررنگ علویان و قبایل مهاجر عرب می‌طلبید که علاوه بر مقابله‌های نظامی با قیام‌ها و تنش‌ها در کور کردن ریشه‌های تشنجات سیاسی که از سال‌های قبل از حکومت عباسیان هم آغاز شده بود و هرگز به طور کامل خاتمه نیافته بود، تدابیری اندیشه‌گردد (فقیه انصاری و صنعتگران، ۱۳۹۸، ۳۷). از سوی دیگر با در نظر گرفتن رقابت‌های خانگی بر سر خلافت همچون رقابت امین و مأمون و نیز تلاش عناصر عرب برای باز پس‌گیری قدرتشان که برخلاف دوره امویان در عهد عباسی فاقد آن شده بودند، اتخاذ سیاست وصلت با ائمه توسط مأمون در واقع نوعی چاره‌جویی بود.

ب. ازدواج‌های مصالحه‌گرایانه: روشن است که برقراری آشتی و مصالحه در ایجاد انسجام اجتماعی و سیاسی جامعه نو پای اسلامی به‌عنوان یکی از ابزارهای کارآمد مورد توجه ائمه بود که از طرقی مانند ازدواج تحقق می‌یافت.

بنابراین برخی از همسران ائمه علیهم‌السلام به دلایل سیاسی یا قبیله‌ای به ازدواج ایشان درآمدند؛ یعنی با هدف برخوردار شدن از منافع ناشی از حمایت قبیله‌ای که از مهم‌ترین مزایای آن، امکان برقراری ارتباط با سایر قبایل بود. چرا که این موضوع در جامعه سنتی عرب از جمله مؤلفه‌های مؤثر اجتماعی مرسوم قلمداد می‌شد، فلذا این سبک از وصلت‌ها رواج داشت.

این موضوع سبب می‌شد انگیزه اصلی قبایل از تمایل برای وصلت با ائمه، کسب اعتبار و احترام و نیز ارتقای اجتماعی باشد. حتی برای قبایلی که عناد و عداوت آشکار با خاندان ائمه داشتند.

اما در این که چرا امامان این وصلت‌ها را می‌پذیرفتن، باید گفت به نظر می‌آید با توجه به خلق کریمانه ایشان که همواره به فضایل اخلاقی اسلامی سفارش نموده‌اند، در جایگاه رهبران دینی جهت پایان دادن به کینه‌ها و عداوت‌ها و با امید به گسترش دوستی و وحدت بین مسلمانان هرگز آن را رد نمی‌کردند. اما از قرن دوم که به تدریج مذاهب اسلامی پدید آمدند و تعدد آرای فقهی در مسائل شرعی و... مطرح گردید، رفته رفته اوضاع تغییر کرد.

به هر روی در بین همسران امام علی علیه‌السلام با زنانی برخورد می‌کنیم که پایگاه قبیله‌ای دارند. از جمله ام‌البنین دختر حزام بن خالد از قبیله بنی کلاب که از قبایلی بوده که در شجاعت و دلاوری در بین عرب شهرت داشته و به همین اعتبار هم از خاندان‌های ریشه‌دار عرب محسوب می‌شده است (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ۲۸۰؛ کلبی، ۱۴۰۸ق، ۳۵۶/۱).

از دیگر همسران امام علی علیه‌السلام که بر اساس پایگاه قبیله‌ای به ازدواج ایشان درآمده‌اند، خوله دختر ایاس بن جعفر بن قیس حنیفه را می‌توان نام برد که در زمان خلیفه اول اسیر شد و امام علی علیه‌السلام او را خریدند و با وی ازدواج کردند و از او صاحب پسری به نام محمد حنفیه شدند (امین، ۱۳۰۴، ۳۶/۶).



همسر دیگر ایشان ام سعید بنت عروه بن مسعود از قبیله ثقیف از قبایل مشهور عرب بود. ام سعید مادر ام حسن و رمله می باشد و از زنان امام علی علیه السلام معرفی شده است. یکی دیگر از وصلت های امام علی علیه السلام، ازدواج ایشان با لیلا دختر مسعود دارمیه است. در واقع شیخ مفید او را دختر مسعود دارمیه معرفی می کند. این شخص از قبیله ای بود که به سیاست، سیادت و حکمت نزد اعراب شهرت داشت. لیلا بعد از شهادت امام علی علیه السلام هم زنده بود (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۳/۳۰۸؛ محلاتی، بی تا، ۳/۳۰۹-۳۰۸).

از همسران امام حسن علیه السلام که از پایگاه قبیله ای یا سیاسی برخوردار بود ام اسحق را می توان نام برد. او دختر طلحه بن عبیدالله تیمی و بر اساس متون تاریخی صحابی مشهور و از مسببان جنگ جمل گزارش شده است. این شخصیت با وجود این که پدرش در جنگ جمل در نقطه مقابل امام علی علیه السلام قرار گرفت و جزء مخالفان ایشان بود، به ازدواج امام حسن در آمد. فلذا می توان این ازدواج را از پایگاه قبیله ای و به نوعی ازدواج سیاسی قلمداد نمود (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ۳/۲۱۴؛ طبرسی، بی تا، ۱/۴۱۶ و ۴۷۸).

از دیگر همسران امام حسن علیه السلام که پایگاه قبیله ای داشت، ام بشیر دختر ابومسعود عقبه بن عمر بن ثعلبه خزرجی از قبیله خزرج انصار است. او برای امام پسری به نام زید و دو دختر به نام های ام حسن و ام حسین به دنیا آورد (محلاتی، بی تا، ۳/۳۷۵).

جعه دختر اشعث بن قیس کندی همسر دیگر امام هم برای برقراری روابط با قبایل با ایشان ازدواج کرد. فلذا آن وصلت نیز سیاسی بود چون اشعث بن قیس کندی در زمان عثمان عامل و کارگزار عثمان در آذربایجان بود و در زمان امام علی علیه السلام هم در مقام بزرگ قبیله کنده قرار داشت و در تحولات سیاسی هم با امام علی علیه السلام همراهی نکرد (اصفهانی، بی تا، ۳/۳۱؛ ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ۸/۱۸۱؛ بلاذری، ۱۹۹۶م، ۲/۳۶۹؛ طبرسی، بی تا، ۲/۴۷۷). گزارش هایی که در منابع درباره شهادت امام به دست این زن آمده خود گویای همین حقیقت است.



از دیگر همسران امام که از پایگاه قبیله‌ای برخوردار بود می‌توان خوله دختر منظورین زبان فزاری از قبیله غطفان را نام برد. این شخص قبل از آن که به ازدواج امام درآید همسر محمد بن طلحه بن عبیدالله بود (ابن سعد، ۱۴۰۵، ۲/۵-۱: محلاتی، بی‌تا، ۶۵/۴؛ اعلی حائری، ۱۴۰۷، ۲/۶۵) محمد بن طلحه از مخالفان امام علی علیه السلام بود که در جنگ جمل در جبهه مقابل ایشان قرار داشت. با وجود این، خوله پس از او به همسری امام حسن علیه السلام درآمد و امام هم از او صاحب دو فرزند پسر به نام محمد اکبر و حسن ملقب به حسن مثنی و دو دختر که هر دو در کودکی درگذشتند، شد.

از دیگر همسران امام در همین زمینه می‌توان زینب دختر سبیع بن عبدالله و برادرزاده جریر بن عبدالله بجلی را ذکر کرد. عبدالله بجلی در زمان جنگ صفین از بزرگان قبیله بجلی بود و بعدها هم به معاویه پیوست (محمدزاده، ۱۳۹۶، ۴۸).

همسر دیگر امام هند دختر عبدالرحمن بن ابی بکر بن ابی قحافه، نوه ابابکر، خلیفه اول بود. این ازدواج را نیز می‌توان در دسته‌بندی ازدواج‌های سیاسی و ازدواج‌های قبیله‌ای جای داد (محمدزاده، ۱۳۹۶، ۴۸).

در بین همسران امام حسین علیه السلام با پایگاه‌های قبیله‌ای و سیاسی می‌توان از لیلا دختر ابومره ثقفی و نوه مسعود بن عامر ثقفی، صحابی رسول الله نام برد. او از قبیله بنی ثقیف و دختر میمونه، دختر ابوسفیان و از بنی امیه و مادر او نیز دختر ابوالعاص بن امیه بود. لیلا را از زنان شریف و بزرگوار عصر خویش معرفی کرده‌اند. او مادر علی بن حسین، معروف به علی اکبر بود (ابن سعد، ۱۴۰۵، ۵/۵۳۵ و ۶/۳۹۲؛ یعقوبی، ۱۳۷۹، ۲/۲۴۷-۲۴۶).

همچنین ام اسحاق از همسران امام حسین علیه السلام هم پایگاه قبیله‌ای و سیاسی داشت. ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله مشهور بود که قبل از آن در عقد برادرشان امام حسن علیه السلام بود و بعد از شهادت امام حسن علیه السلام به ازدواج امام حسین علیه السلام در آمد.



رباب دختر امرؤالقیس هم از افرادی بود که به دلیل پایگاه قبیله‌ای‌اش، همسر امام حسین علیه السلام شد و علی‌اصغر فرزند اوست (اصفهانی، ۱۴۰۷ق، ۱۶/۱۳۹؛ بلاذری، ۱۹۹۶م، ۲/۱۴۰-۱۳۹؛ ابن حزم، ۱۴۰۳ق، ۸۶).

در بین همسران و زنان امام محمد باقر علیه السلام نیز می‌توان ام حکیم، دختر سعید بن مغیره ثقفی از قبیله ثقیف مشهور را نام برد. او برای امام دو فرزند به نام‌های ابراهیم و عبیدالله به دنیا آورد (محمدزاده، ۱۳۹۶، ۴۸).

ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی‌بکر، نوه خلیفه اول، مادر امام صادق علیه السلام بود (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ۵/۱۷۸؛ یعقوبی، ۱۳۷۹، ۲/۳۸۱؛ کلینی، ۱۳۹۱، ۱/۴۷۲).

جد مادری امام صادق علیه السلام نیز اسما، دختر عبدالرحمن بن ابی‌بکر نوه دیگر او بود. بر همین اساس امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «ولدنی ابوبکر مرتین»؛ ابوبکر دو بار در تولد من شرکت داشته است (کلینی، ۱۳۹۱، ۱/۴۷۲؛ اربلی، بی‌تا، ۲/۳۷۴).

این نسبت نشان می‌دهد خاندان امام سجاده علیه السلام از طرفی با خاندان ابوبکر بن ابی‌قحافه ارتباط برقرار کرده و از سوی دیگر طبق تأکید منابع امامیه، مادر امام از مؤمنات بوده که نیای او قاسم بن محمد بن ابی‌بکر از راویان ثقه و شاگرد امام سجاده علیه السلام و از نزدیکان آن حضرت، می‌کوشیدند تعلق آنان را به اندیشه امامیه نشان دهند.

در بین وصلت‌های امام رضا علیه السلام، ازدواج ایشان با ام حبیبه، دختر مأمون عباسی را می‌توان از ازدواج‌های سیاسی معرفی کرد؛ چرا که خلیفه در روز ولایتعهدی، دخترش را به عقد امام رضا علیه السلام درآورد و با توجه به اختلاف سنی و مسائل دیگر با قوت می‌توان گفت که اهداف سیاسی در این امر مبنا بود. چرا که برای تحکیم ولایتعهدی انجام گرفت. در واقع این ازدواج دلایل سیاسی خاص خود را داشت که مورد مخالفت بنی‌عباس هم قرار گرفت (مسعودی، ۱۴۰۹ق (الف)، ۲/۴۴۲).



در این رابطه همان‌گونه که در سطور پیش گفته شد احتمال انتقال خلافت با تولد فرزندی که از این وصلت‌ها زاده می‌شدند به نسلی جدید با ترکیب نسبی علوی-عباسی علت اصلی مخالفت بنی عباس با این نوع ازدواج‌ها بود. جز این گروه‌هایی که به سرکوب شدید شیعیان و علویان معتقد بودند هم از مخالفان سرسخت این سبک ازدواج‌ها (وصلت با خاندان خلیفه و حکام) محسوب می‌شوند. در این خصوص حتی مخالفت با ولایتعهدی امام رضا (ع) هم قابل ذکر است.

در بین زنان امام جواد (ع) هم می‌توان از ام فضل دختر مأمون عباسی نام برد. وی نیز با دلایل سیاسی به ازدواج امام در آمد و پیشنهاددهنده این ازدواج شخص مأمون بود در حالی که این موضوع شدیداً مورد مخالفت عباسیان قرار گرفت. در منابع آمده که مأمون بعد از ولایتعهدی امام رضا (ع) دخترش ام حبیب را به عقد ایشان و دختر دیگرش ام فضل را به عقد امام جواد (ع) درآورد (مسعودی، ۱۴۰۹ق (الف)، ۴/۳۲۵-۳۲۴؛ کلینی، ۱۳۹۱، ۲/۴۳۷). البته منابع در این که ازدواج امام جواد (ع) با ام فضل پیش یا بعد از شهادت امام رضا (ع) بود اختلاف دارند؛ به طور مثال **شیخ مفید** در «ارشاد» گزارش می‌دهد که ازدواج امام جواد (ع) با ام فضل بعد از رحلت پدرشان امام رضا (ع) بود. بنابراین گزارش، مأمون به دلیل علاقه‌اش به امام جواد (ع) می‌خواست دختر خود ام فضل را به ازدواج ایشان درآورد اما عباسیان که از این مسئله ناخشنود بودند به بهانه سن کم امام جواد (ع) مأمون را از این کار منع کردند و مأمون برای اقناع آنان پیشنهاد کرد که عباسیان، هوش و درایت حضرت را امتحان کنند. در روز امتحان، عباسیان قاضی یحیی بن اکثم را که قاضی القضاات و از بزرگان بود برای مباحثه با امام (ع) حاضر کردند و بعد از آن که امام جواد (ع) بر یحیی بن اکثم غلبه یافت در همان مجلس مأمون دخترش را به همسری امام جواد (ع) درآورد و مراسم با شکوهی برگزار نمود. در این مراسم که ظاهراً در سال ۲۰۴ هجری بود

فقط عقد ازدواج صورت گرفت و امام تا سال ۲۱۵ هجری با او همبستر نشد (ابن کثیر، ۱۹۳۲، ۲۶۹/۱).

ظاهراً رابطه امام جواد علیه السلام با ام فضل چندان گرم نبود تا جایی که ام فضل در نامه‌ای به پدرش از کنیز گرفتن امام شکایت کرده، ولی مأمون به شکایت او توجه ننمود و او را از شکایت دوباره منع کرد. این ارتباط و مسائل دیگر نشان می‌دهد که این ازدواج دقیقاً بر اساس دلایل سیاسی و با پیشنهاد مأمون اتفاق افتاد و امام در سرگرفتن این وصلت نقش اصلی نداشتند (رک. کلینی، ۱۳۹۱، ۴۳۷/۱؛ ابن کثیر، ۱۹۳۲، ۲۶۹/۱).

در بین همسران امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام هم زنانی که پایگاه قبیله‌ای یا سیاسی داشته باشند، وجود ندارد. اساساً زنان این دو امام، همگی کنیز بودند.

دلایل ازدواج‌های قبیله‌ای و سیاسی شرافت انتساب به رسول الله

یکی از دلایلی که ازدواج‌های قبیله‌ای و سیاسی را شکل می‌داد، بحث شرافت انتساب به رسول الله بود که باعث می‌شد سایر تیره‌ها به خصوص بنی امیه و آل‌زبیر به وصلت با اهل بیت علیهم السلام رغبت و اشتیاق نشان دهند. آن‌ها می‌خواستند شرف و موقعیت اجتماعی خود را با انتساب به رسول الله در نسل‌های بعدی تقویت کنند. مثلاً عمر با ازدواج با ام کلثوم دختر امام علی علیه السلام به مهاجرین و انصار گفت: به من تبریک بگویید چون از رسول خدا شنیدم که فرمود هر رابطه سببی و نسبی در روز قیامت از بین می‌رود مگر رابطه نسبی و سببی با من (ابن عبدربه، ۱۴۰۹ق، ۹۷/۷؛ حسینی، ۱۳۹۵، ۱۴۱).

ازدواج سکینه دختر امام حسین علیه السلام با مصعب بن زبیر و ازدواج فاطمه دختر امام علی علیه السلام که شوهر اولش در کربلا شهید شد با منذر بن زبیر و ازدواج ام حسن دختر امام حسن علیه السلام که شوهرش در کربلا شهید شد با عبدالله بن زبیر نیز از ازدواج‌های سیاسی

بودند که بعد از مرگ یزید و هنگامی که ابن زبیر شعار انتقام از قاتلان امام حسین (ع) را علم کرده بود و قبل از درگیری با مختار و شیعیان و بنی هاشم صورت گرفت. هدف فرزندان زبیر از این ازدواج‌ها کاملاً سیاسی بود. در این هنگام قدرت و ثروت در دستان خاندان زبیر بود و زبیریان از هر وسیله برای انتساب به حضرت زهرا (ع) و تحکیم موقعیت آینده خود بهره می گرفتند (حسینی، ۱۳۹۵، ۱۴۲).

۹۹



فرهنگ باز قریش در ازدواج و طلاق

فرهنگ باز قریش در ازدواج و طلاق از عوامل اصلی بود که در شکل‌گیری و کثرت ازدواج‌های قبیله‌ای نقش داشت. رسوم حاکم بر جامعه حجاز و قبیله قریش قبل از اسلام و تا اواخر قرن اول هجری در امر ازدواج و طلاق با آزادی نسبتاً گسترده‌ای همراه بود؛ چنان که سنت ازدواج و طلاق بسیار بی‌آلایش و بدون تشریفات و خالی از هر نوع تعصب صورت می‌گرفت و به همین دلیل ازدواج‌های گسترده در قرن اول بین قریش و بنی هاشم و اهل بیت (ع) به سهولت انجام می‌شد؛ البته رسم مزبور بیشتر در بین قریش جریان داشت، در حالی که بین انصار چنین فرهنگی نبود. فلذا می‌توان گفت در صدر اسلام ثبت شده برای مثال لیلی بنت مسعود از همسران امام علی (ع) پس از شهادت ایشان با عبدالله بن جعفر همسر حضرت زینب (ع) ازدواج کرد (بلاذری، ۱۹۹۶م، ۶۷).

این امر در مکه رواج بیشتری داشت. به همین جهت در بررسی ازدواج‌های حضرت رسول (ص) مشاهده می‌شود که پیغمبر اسلام (ص) همسری از انصار نگرفت، چون انصار، همسر دوم (هوو) را برای دخترانشان تحمل نمی‌کردند (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ۸/ ۱۱۹؛ حسینی، ۱۳۹۵، ۱۴۳).

همچنین در فرهنگ قریش ازدواج زنان بعد از مرگ شوهرانشان امری بسیار عادی بود و هیچ قبحی نداشت. چنان که در بین ازدواج‌های قبیله‌ای و سیاسی در زندگی

ائمۀ علیهم السلام گزارش‌هایی وجود دارد که از ازدواج با زنان مطلقه حکایت می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان از وصلت عاتکه دختر زید بن عمر بن نفیل که زنی صاحب جمال و کمال و همسر عبدالله بن ابوبکر بود، یاد کرد. ابوبکر بنا به دلایلی از فرزندش خواست او را طلاق بدهد. عبدالله او را طلاق داد، پس از آن وی به ازدواج عمر بن خطاب درآمد و بعد از قتل عمر با زیربن عوام ازدواج کرد و بعد از قتل زیربن عوام در جنگ جمل به همسری امام حسین علیه السلام در آمد. پس از شهادت امام حسین علیه السلام نیز مروان پیشنهاد ازدواج با او را داد ولی او نپذیرفت و گفت: نمی‌خواهم بعد از رسول الله پدر شوهر دیگری را برگزینم (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۷ق، ۳۰۰/۱۶).

ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله هم که همسر امام حسن علیه السلام بود بعد از شهادت امام حسن علیه السلام با امام حسین علیه السلام ازدواج کرد و بعد از شهادت امام حسین علیه السلام به عقد عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن بن ابی بکر در آمد (حسینی، ۱۳۹۵، ۱۴۰).

نبود فرقه‌گرایی در قرن اول

دلیل دیگر ازدواج‌های قبیله‌ای و سیاسی که به خصوص در قرن اول در بین ائمه هم دیده می‌شود، نبود فرقه‌گرایی است. در قرن اول مسلمانان دارای هویت واحدی بودند و هنوز به صورت عینی فرقه‌های اسلامی مثل شیعه و سنی شکل نگرفته بود (واژه شیعه در موضوع جانشینی پیامبر صرفاً به معنی طرفدار و دوستدار حضرت علی علیه السلام و حمایت از حق جانشینی ایشان بود و نه به معنای فرقه شیعه که فقه جعفری داشت) و مانعی بر سر ازدواج‌های شیعیان با دیگران وجود نداشت. حتی بعد از ظهور خوارج در بین تیره‌های قریش تا قرن دوم در حجاز فرقه‌گرایی به معنای واقعی آن گونه که در عراق بود، شکل نگرفته بود. اما از قرن دوم شرایط تغییر کرد؛ فرقه‌های اسلامی به صورت عینی در عالم اسلام شکل گرفتند و با وجود فرقه‌های سیاسی و فقهی و کلامی،

چارچوب‌های تعاملاتی که پیش از این در امر ازدواج وجود داشت، متفاوت شد. چرا که با طرح و ارائه احکام فقهی جدید از سوی هر کدام از فقه‌های فرق مزبور که موانع جدید فقهی درباره ازدواج با فرقه دیگر را پدید آورد ازدواج‌ها به حداقل رسید. به همین اعتبار هم در بررسی موضوع از وصلت‌ها با پایگاه قبیله‌ای در زمان امام صادق (ع) به بعد دیگر گزارشی درباره ائمه (ع) ثبت نشده است.

از دلایل دیگری که به نظر می‌رسد در این رابطه قابل ذکر باشد کثرت ورود اسرا بود که منجر به رواج ازدواج با کنیزان می‌شد.

گرچه از نظر شرعی و فقهی معیار صحت ازدواج، اسلام است نه ایمان و هویت فرقه‌ای، ولی در قرن دوم مسلمانان به یک هویت فرقه‌ای رسیده بودند و به این مسئله اهمیت بسیار می‌دادند. این واقعیت را از روایاتی که در این باره موجود است می‌توان دریافت؛ مانند گفتگوی امام صادق (ع) و زراره که علی بن رئاب آن را نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۴، ۱/۳۵۴).

روایات متعددی از ائمه (ع) در تفسیر اسلام و نیز وجوه کفر وارد شده که همه فرقه‌های اسلامی را مسلمان خوانده و اسلام ظاهری را معیار و ملاک ازدواج و ارث و تعامل معرفی کرده و کفر آنان را در مقابل اسلام ندانسته است. از فحوی این روایات و نیز سؤالاتی که در این باره از ائمه (ع) می‌شد، چنین پیداست که شیعیان در قرن دوم تصور می‌کردند مخالفان شیعه، مسلمان یا حداقل مؤمن نیستند و نباید با آنان همچون مسلمان تعامل داشت (حسینی، ۱۳۹۵، ۱۴۶). همین مسئله در بین اهل سنت هم مطرح است. آن‌ها هم با شکل‌گیری هویت فرقه‌ای دیگر راضی به ازدواج با شیعیان نیستند.

در بین فقه‌های اهل سنت هم این مسئله مطرح شده است. مثلاً بر اساس گفته ابن قدامه احمد بن حنبل ازدواج با جهیمیه و فرق مخالف اهل حدیث که شامل شیعیان هم می‌شده، باطل بود. وی گفته است کسی که به جهیمیه که قائل به مخلوق بودن قرآن

بودند زن بدهد باید بین آن‌ها جدایی ایجاد کند. همچنین کسی که در مخلوق نبودن قرآن توقف کند. البته ظاهراً آن حکم تکلیفی حرمت بود، نه حکم وضعی بطلان. (حسینی، ۱۳۹۵، ۱۴۷).

زنان کنیز ائمه علیهم‌السلام

گونه دیگر از ازدواج‌های ائمه، وصلت ایشان با کنیزانشان بود. این گروه از همسران در دو دسته قرار داشتند: دسته‌ای که به عنوان کنیز خریداری و پس از آزادی به عنوان همسر به عقد و ازدواج امام در آمده بودند و دسته دیگر که اکثریت بودند، زنان کنیزی به شمار می‌آمدند که همسر ائمه بودند بدون آن که به عقد ایشان درآیند که اصطلاحاً ام ولد خوانده می‌شدند. از زمان امام صادق علیه‌السلام به بعد اکثر ازدواج‌های ائمه علیهم‌السلام از این دسته بود.

به نظر می‌رسد علت رواج این نوع وصلت‌ها، کثرت اسرا در بازارهای شهرهای اسلامی بود که در پی گسترش فتوحات به بلاد جدید وارد می‌شدند؛ البته در علت این دسته از ازدواج‌ها باید تأثیرات مهم آن را نیز در نظر گرفت؛ هر چند ازدواج با کنیزان خریداری شده برای صاحب خانه امری معمول و رایج بود اما مهم‌تر آن که موجب گسترش جغرافیای سیاسی شیعه در مناطق خارج از عربستان علی‌الخصوص عراق و ایران گردید و همچنین در ترویج فرهنگ برابری اسلامی که تفاخر نژادی و ملی را نکوهیده می‌دانست اهمیت به سزایی داشت.

از همسران امام علی علیه‌السلام در این سبک ازدواج، می‌توان ام حبیب بنت ربیعہ را نام برد (شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق، ۳۳۵-۳۳۴؛ مامقانی، ۱۳۵۲، ۲/۲۱۷). بنا بر نقلی، ام حبیب از اسیران جنگ یمامه یا عین التمر بود که امام او را از خالد بن ولید خریده و به عقد خود درآوردند.

ام حبيب طبق گفته گروهی از رجال‌نویسان، برای امام علی علیه السلام دو فرزند به نام‌های عمر و رقیه آورد (مامقانی، ۱۳۵۲ق، ۲/۲۱۷).

در بین زنان امام حسن علیه السلام هم سه تن با پایگاه کنیزی وجود داشتند شامل بقیله یا رمله کنیزی از روم که در توصیف او گفته شده برای امام حسن علیه السلام سه فرزند به نام‌های قاسم، عبدالله مکنی معروف به ابوبکر و عبدالله آورد (گویا هر سه فرزند وی در کربلا به شهادت رسیدند) (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ۵؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۲/۲۴۱؛ ابن جوزی، بی‌تا، ۲/۷۰؛ ابو مخنف، ۱۳۶۸، ۲۴۹) و کنیز دیگری به نام صافیه (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ۵) و امام از او صاحب فرزندی شد و سوم ضمیا (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۲/۲۰) که برای امام حسن علیه السلام دو فرزند به نام حسین اثرم و عبدالرحمن و دختری به نام ام سلمه به دنیا آورد.

از همسران امام حسین علیه السلام با پایگاه کنیزی، شهربانو دختر یزدگرد سوم را باید نام برد. گرچه راجع به ایشان روایت‌های مختلفی وجود دارد و تردیدهای جدی نسبت به وجود تاریخی این شخص مطرح است اما با توجه به این که جزء اسرا بود و به عنوان کنیز وارد مدینه شد می‌توان گفت با پایگاه کنیزی بوده ولی به نظر می‌رسد امام او را بعد از آزادی به ازدواج خود درآورده باشد (شیخ کلینی، ۱۳۹۱، ۱/۴۶۶؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۲/۱۳۷؛ بغدادی، ۱۴۰۶، ۲۴؛ طبرسی، بی‌تا، ۱/۴۸۰).

برخی منابع ام ولد بودن شهربانو را دلیل شاهزاده نبودنشان دانسته‌اند. اما منابع قوی هم وجود دارند که ضمن تأیید مادر و فرزندی امام سجاد علیه السلام اثبات می‌کنند که ام ولد بودن ایشان مغایرتی با شاهدخت بودنشان نداشت (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸، ۷۳-۷۰).

نام‌های متعددی که برای این بانو در منابع ذکر شده به دو دسته فارسی و عربی تقسیم می‌شود: شهربانویه، جهان‌بانو، کیهان‌بانو، شاه‌زنان، شهربانو و شهرزاد نام‌های ایرانی و سلامه، سلافه، غزاله، خلوه، حلوه، خوله، و حرار هم اسامی عربی ایشان است (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸، ۶۱؛ البته در «المنطق و المعارف»، ایشان سندیه هم خوانده شده‌اند و در



دو کتاب هم "فتاه" یا "برده جوان" و نیز در دو منبع با عنوان "دختر نوشجان شاه" از ایشان نام برده شده است (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸، ۱۸).

در زندگی امام سجاد علیه السلام نیز نام زنی به نام جیدا یا حورا آمده که کنیزی سندی بود. درباره او گفته اند که مختار ثقفی وی را نزد امام سجاد علیه السلام فرستاد. گرچه بعضی معتقدند این کنیزی است که در مدینه توسط امام خریداری شد و مادر زید می باشد (اصفهانی، بی تا، ۱۲۵-۱۲۴؛ محلی شهید، بی تا، ۲۴۱/۱؛ ناطق بالحق، ۱۳۸۷، ۱۳).

از بین زنان امام صادق علیه السلام از حمیده بربریه (مغریبه) دختر صاعد اندلسی از اشراف بزرگان مغرب یا اندلس به عنوان کنیز یاد شده که البته با داشتن شخصیت والا مورد تحسین امام صادق علیه السلام بود. وی از جمله کسانی است که امام صادق علیه السلام هنگام وفات، او را وصی خود با مسئولیت رسیدگی به حال اهل مدینه و تقسیم اموال بین آنان که همان مسئولیت وکالت شیعه بود، قرار دادند (طیبی، ۱۳۸۵، ۱۸) این شخص مادر امام موسی بن جعفر علیه السلام هم بود (ابن جوزی، بی تا، ۳۱۲؛ برقی، ۱۳۳۱، ۳۱۴/۲؛ شیخ کلینی، ۱۳۹۱، ۳۹۷/۱؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۲/۲۱۵؛ طبرسی، بی تا، ۱۲۱).

امام موسی بن جعفر علیه السلام آن چنان که بیان گردیده همسر رسمی اختیار نکردند بلکه پنج یا شش کنیز داشتند که از آنها صاحب فرزندانی شدند. این کنیزان عبارت بودند از: ام احمد (کلینی، ۱۳۹۱، ۳/۴۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۳، ۲/۹۴۹؛ صفدی، ۱۴۱۱ق، ۲/۱۶۱) ام حسین (کلینی، ۱۳۹۱، ۱/۴۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۷، ۱/۳۶۵)، تکتیم یا نجم خاتون (ابن جوزی، بی تا، ۳۶۱؛ کلینی، ۱۳۹۱، ۲/۴۰۲؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ۱/۱۴).

نجیبه و ام فروه از شمال آفریقا آورده شده بودند و گفته شده تربیت شده حمیده خاتون مادر موسی بن جعفر بودند (محمدزاده، ۱۳۹۶، ۷۸-۷۶).

درباره امام رضا علیه السلام هم آنچه مطرح شده تا قبل از ازدواج با ام حبیبه دختر مأمون عباسی (مسعودی، ۱۴۰۹ق (ب)، ۲/۴۴۳)، ازدواج نکرده و فرزندش امام جواد علیه السلام از یک



نفر از کنیزان بوده و اساساً تنها همسر رسمی امام رضا علیه السلام ام حبیبه دختر مأمون عباسی است که در بحث ازدواج‌های سیاسی به آن اشاره می‌شود.

مادر امام جواد علیه السلام کنیزی به نام خیزران یا سبیکه نوییه بود که در منابع از او با نام‌های گوناگون از جمله ریحانه یاد شده است. گفته شده او از خاندان ماریه قبطیه همسر رسول خدا بوده است.

امام رضا علیه السلام بعد از تولد فرزندش امام جواد علیه السلام درباره این همسرش فرمود: خداوند فرزندی به من ارزانی داشت که شبیه موسی بن عمران است که دریا را می‌شکافت و مانند عیسی بن مریم است که مادرش مقدسه و منزّه و طاهره و مطهره آفریده شده بود (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۲/۶۱۵؛ کلینی، ۱۳۹۱، ۱/۴۹۲؛ طبرسی، بی‌تا، ۲/۹۱؛ ابن خشاب، بی‌تا، ۱۹۶).

امام جواد علیه السلام هم در عمر کوتاهشان یک همسر رسمی داشتند که همان ام فضل دختر مأمون عباسی بود. فرزندان امام علیه السلام از کنیز ایشان به نام سمانه مغربیه مادر امام هادی و سایر فرزندان امام جواد علیه السلام بودند (کلینی، ۱۳۹۱، ۱/۴۹۸؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۲/۳۱۲-۳۱۱؛ عبدالوهاب، ۱۳۶۹، ۱۳۲؛ قمی، ۱۳۶۱، ۲۰۱).

زنان امام هادی علیه السلام هم آن چنان که در منابع آمده کنیز بودند. در منابع نام یک تن از آنان موسوم به حدیث یا سوسن ثبت شده که البته درباره نام وی که ام ولد بوده، گزارش‌های مختلفی وجود دارد. سخن مشهور در منابع امامی آن است که وی کنیزی به نام حدیث یا حدیثه بوده است. البته در یک روایت کهن از این بانو با نام عسفان یاد شده و گفته شده امام هادی علیه السلام از او با عنوان حدیث نام برده است.

البته در برخی منابع که بیشتر از اهل سنت هستند نام او سوسن گفته شده است. باید دانست که در منابع دیگر سوسن در فهرست نام‌های مادر امام هادی علیه السلام یا مادر امام زمان علیه السلام هم آمده است. برخی از منابع او را از اهالی مغرب و برخی او را از نوبه

گفتند. گزارش شده که او در نهایت صلاح و ورع و تقوا بود (کلینی، ۱۳۹۱، ۵۰۳/۱؛ ابن خشاب، بی تا، ۱۳۳؛ طبرسی، بی تا، ۳۶۷/۲؛ اربلی، بی تا، ۱۹۸/۳؛ عبد الوهاب، ۱۳۶۹، ۱۲۳).

همسر امام حسن عسکری علیه السلام هم از پایگاه کنیزان بود، البته امام عسکری علیه السلام هم همسری عقدی اختیار نکرد و نسل وی تنها از طریق کنیزی که مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود دوام یافت. گرچه نام مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع با اختلاف گسترده‌ای ضبط شده و نام‌هایی چون نرجس، صیقل، سوسن، ریحانه و مریم به چشم می‌خورد (شاید نام‌های مختلف به این جهت در منابع آمده است که حضرت خادمان رومی و صقلابی و ترک داشته است و شاید به منظور پنهان نگه داشتن تولد حضرت مهدی بوده است). در هر صورت نرجس مشهورترین نامی است که در منابع اسلامی دیده می‌شود (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۲۱۳؛ خصیعی، ۱۴۰۶ق، ۲۴۸؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق (الف)، ۲۶۶). امکان دارد نام اصلی او همان نرجس باشد و دیگر اسامی به جز صیقل را بانوی او، حکیمه دختر امام جواد علیه السلام به وی داده باشد.

مردم در آن زمان، کنیزان را برای خوشامدگویی به نام‌های گوناگون می‌خواندند و نرجس، ریحانه و سوسن همه اسامی گل‌ها بوده‌اند. ازدواج امام حسن عسکری علیه السلام با نرجس خاتون، اشراف‌زاده رومی که در پی جنگ با مسلمانان به اسارت گرفته شده بود از این نمونه قابل ذکر است (ابن بابویه، ۱۴۱۲ق، ۳۲۳-۳۱۷). ایشان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام وصی امام در تقسیم اموال شیعیان بودند به نحوی که تمام موقوفات و صدقات شیعیان را مدیریت می‌کردند (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۴۶/۲؛ کلینی، ۱۳۹۱، ۵۰۳/۱؛ طیبی، ۱۳۸۵، ۲۵-۲۲).

البته درباره ازدواج مزبور همه منابع متفق القول نیستند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نقش اثرگذار شخصیت‌ها و رهبران دینی ادیان مختلف جهان از جمله اسلام، آشنایی با مسائل جاری در زندگی ایشان در طول تاریخ می‌تواند منشأ اتخاذ شیوه‌های متفاوتی برای دست یافتن به اطلاعات بیشتر و کامل‌تر در رابطه با آن باشد.

لذا سیره و سبک زندگی پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام؛ در جایگاه بزرگان و قان‌دین مسلمانان و البته شیعیان، همیشه و از جهات مختلف توسط گروه‌ها و افراد متعدد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و می‌گیرد.

از بین موضوعات پر شمار زندگی شخصی و اجتماعی امامان، شاید بیشترین سؤالات و حتی شبهات در مورد تعدد ازدواج‌هایشان باشد؛ سؤالاتی که هر کدام از جنبه و با نظرگاه خاصی مطرح شده‌اند.

طبق بررسی‌هایی که در این نوشتار انجام شد، ابتدا تلاش گردید دسته‌بندی دقیقی از وصلت‌های ائمه علیهم‌السلام ارائه گردد به نحوی که ماحصل آن سه نوع ازدواج البته بر مبنای پایگاه‌های فامیلی، سیاسی-قبیله‌ای و آزاد (ازدواج با کنیزان بدون عقد و بدون پایگاه خاص اجتماعی) به دست آمد.

در چرایی ازدواج با بستگان فامیلی کاملاً مشخص است که نسبت خانوادگی و احترام و اعتماد و البته رسوم آن روزگار دلیل عمده بود. درباره‌ی مبنای قبیله‌ای و سیاسی گونه‌ی دیگری از ازدواج‌ها هم باید گفت، چنان که از ظاهر کلمه برمی‌آید ارتباطات و اقتضائاتی که در بین قبایل جریان داشت یا پیش می‌آمد، مبنا قرار می‌گرفت؛ چنان که اثرات و نتایج حاصل از این سیاست (وصلت‌های مصلحتی و سیاسی) خود شاهی بر این ادعاست حتی اگر به نتایج مورد انتظار هم منجر نمی‌گشت؛ مانند وصلت امام رضا علیهم‌السلام با دختر مأمون و نظایر آن.



در خصوص وصلت با کنیزان هم مشخص شد که حضور این گروه از زنان در کسوت کنیز و بر اساس رسوم آن زمان که در همه جوامع آن دوران حتی جوامع غیر عرب و خارج از عربستان هم معمول بود وصلت صاحب و کنیز امری عادی بود؛ البته جایگاه این دسته از همسران ائمه علیهم السلام گاهی به جهت کرامت شخصیت و تقوایشان از سایر اطرافیان افزون می شد. این که برخی از آنان پس از رحلت همسرشان مسئولیت رسیدگی به امور مسلمانان از جمله امور مالی را بر عهده می گرفتند دلیلی است بر این مهم.

پس در پاسخ پرسش مقاله از چگونگی ازدواج ائمه شیعه، یافته جدید این است که هرچند با رسوم سبک زندگی امروزه جوامع بشری، تعدد و کثرت ازدواج با وجود عدم منع قانونی و شرعی و جاهتی ندارد (به جز جوامع عربی که هنوز هم کمابیش رسم مزبور را حفظ کرده اند) اما با تحلیل های انجام شده در این موجز مشخص می گردد که تعداد قابل توجهی از وصلت های مزبور به دلیل اوضاع خاص سیاسی و یا اجتماعی انجام می گرفت. دستیابی به انسجام اجتماعی برای مهار کردن رقابت های بسیار مخرب بین قبایل و از بین بردن تنش های سیاسی به نحوی که شرح آن گذشت در این راستا از مهم ترین راهکارهای متناسب با اوضاع آن دوران بود

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، به کوشش حسین اعلمی، ج ۱، بیروت، بی نا، ۱۴۱۲ق.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، **تذکره الخواص من الأئمة بذكر خصائص الأئمة**، ج ۲، بی جا، مکتب النینوی الحدیثه، بی تا.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **التهذیب التهذیب**، ج ۱، نجف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ق.
۴. ابن حزم، علی ابن احمد، **جمهره انساب العرب**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق.
۵. ابن خشاب، **تاریخ الموالید**، در مجموعه نفیس فی التاریخ الاثمه، بی جا، بی نا، بی تا.
۶. ابن سعد، محمد، **الطبقات الکبری**، ج ۳ و ۸، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۵ق.
۷. ابن عبد ربّه، ابو عمر احمد بن محمد، **العقد الفرید**، ج ۷، بیروت، دارالاحیاء التراث العرب، ۱۴۰۹ق.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، **بدایه الهدایه**، ج ۱، قاهره، بی نا، ۱۹۳۲م.
۹. ابو مخنف، لوط بن یحیی، **وقعه الطف**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۸ش.
۱۰. ابوالفرج الاصفهانی، علی بن حسنین، **الاغانی**، ج ۱۶، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۱۱. ابوالفرج الاصفهانی، علی بن حسین، **مقاتل الطالبین**، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران، کتابفروشی صدوق، بی تا.
۱۲. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمه فی معرفه الاثمه**، ج ۲ و ۳، بی جا، دارالحوزه، کتابفروشی اسلامیه، بی تا.

۱۳. اعلیٰ حائری، حسین، **تراجم الاعلام النساء**، ج ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ق.
۱۴. امین، سید محسن، **اعیان الشیعه**، ج ۶، بیروت، دارالعارف للمطبوعات، ۱۳۰۴ق.
۱۵. برقی، ابو جعفر احمد بن محمد خالد، **المحاسن**، ج ۲، به کوشش جلال الدین حدث ارموی، تهران، بی نا، ۱۳۳۱ش.
۱۶. بغدادی، محمد ابن حبیب، **المحبر**، به تصحیح الزه لیختن اشتایتر، ترجمه جواد اصغری، تهران، سروش، ۱۴۰۱ش.
۱۷. بغدادی، محمد بن احمد بن تلج، **تاریخ الائمه**، قم، بی نا، ۱۴۰۶ق.
۱۸. بلاذری، احمد بن یحیی، **انساب الاشراف**، ج ۲، دمشق، بی نا، ۱۹۹۶م.
۱۹. حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، ج ۲، بیروت، داراحیاء التراث العربیه، ۱۴۰۳ق.
۲۰. حسینی، سید عبدالله، **تعامل شیعیان امامیه با دیگر مسلمانان در سه قرن اول هجری**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
۲۱. خصیبی، حسین بن حمدان، **هدایه الکبری**، بیروت، مؤسسه البلاغ، ۱۴۰۶ق.
۲۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، **عیون الاخبار الرضا**، ج ۱، قم، بی نا، ۱۳۶۳ش.
۲۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **الارشاد**، ج ۴، ۳، ۲، بیروت، بی نا، ۱۴۱۴ق.
۲۴. صفدی، خلیل بن ایبک، **الوافی بالوفیات**، ج ۲، به کوشش احسان عباس، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۱ق.
۲۵. طبرسی، فضل ابن حسن، **تاج الموالید**، ج ۱ و ۲، بی جا، بی نا، بی تا.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، **اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)**، ج ۱، تحقیق رجایی، قم، مؤسسه ال بیت، ۱۴۰۴ق.



۲۷. طوسی، محمدبن حسن، **الغیبه**، به کوشش عبادالله تهران و عتی احمد ناصح، قم، بی‌نا، ۱۴۱۱ق.

۲۸. طیبی، ناهید، «مادران امامان شیعه علیهم‌السلام و نقش‌های سیاسی - اجتماعی آنان»، **بانوان شیعه**، س ۳، ش ۶-۷، زمستان ۸۴ و بهار ۱۳۸۵، صص ۳۲-۷.

۲۹. عبدالوهاب، حسین، **عیون المعجزات**، نجف، بی‌نا، ۱۳۶۹ق.

۳۰. فقیه انصاری، مصطفی و عادل صنعتگران، «واکاوی دلایل انتخاب امام رضا علیه‌السلام به ولایتعهدی و اهداف مأمون از این عمل»، **فصلنامه تخصصی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام**، ش ۱، تابستان ۱۳۹۸، صص ۵۰-۳۵.

۳۱. قمی، حسن، حسن بن محمد، **تاریخ قم**، ترجمه حسن بن عتی بن حسن عبدالملک قمی، تهران، طوس، ۱۳۶۱ش.

۳۲. کلبی، هشام، **نسب معد**، ج ۱، به کوشش ناجی حسین، بیروت، بی‌نا، ۱۴۰۸ق.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۲، ۳، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ش.

۳۴. مامقانی، عبدالله، **تنقیح المقال فی علم الرجال**، ج ۲، نجف، المطبع الحیدریه، ۱۳۵۲ق.

۳۵. محلاتی، ذبیح الله، **ریاحین الشریعه**، ج ۳ و ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌نا.

۳۶. محلی شهید، حمید الدین احمد بن محمد علی، **الحدائق الوردیه فی مناقب**، ج ۱، دمشق، داراسامه، بی‌نا.

۳۷. محمدزاده، مرضیه، **زنان ائمه معصومین علیهم‌السلام و زنان با ائمه معصومین علیهم‌السلام**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۶.

۳۸. مسعودی، علی بن حسین، **اثبات الوصیه**، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۹ق (الف).

۳۹. مسعودی، علی بن حسین، **مروج الذهب**، ج ۲ و ۴، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ق (ب).

۴۰. مهدوی دامغانی، احمد، «شاهدخت والا تبار شهربانو»، نشریه ضمیمه آیین

میراث، س ۷، ش ۱۶، ۱۳۸۸، صص ۸۶-۱.

۴۱. ناطق بالحق، یحیی بن حسین، **الافاده فی تاریخ**، تهران، بی نا، ۱۳۸۷ ش.

۴۲. یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبدالله، **معجم البلدان**، ج ۱، بیروت، داراحیاء،

۱۳۹۹ ق.

۴۳. یعقوبی، احمد بن اسحاق (ابن واضح)، **تاریخ یعقوبی**، ج ۲، بیروت، دارصادر،

۱۳۷۹ ق.

